

## پول و حفظ ارزش آن در بانکداری اسلامی جناب آقای دکتر نوروز کهزادی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیرعامل بانک توسعه صادرات ایران

### و جناب آقای رضا رادفرد

کارشناس بانک توسعه صادرات ایران

تحول از سیستم بانکی مبتنی بر نرخ بهره به بانکداری بدون ربا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از پدیده‌های مهمی است که به دنبال خود تغییرات و سؤالاتی را در سطح وسیع در پی داشته است.

در بانکداری بدون ربا، نرخ بهره که به عنوان متعادل‌کننده میزان عرضه و تقاضای پول در اقتصاد کشور عمل می‌کرد جای خود را به مشارکت بانک‌ها در فعالیت‌های اقتصادی در قالب عقود اسلامی داد که در آن، نقش بانک‌ها به عنوان سازمان‌های جذب نقدینگی جامعه و سوق‌دهنده مستقیم آن به سوی فعالیت‌های اقتصادی بوده است.

اجتناب از ربا به عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر اسلامی از یک سو و کاهش قدرت خرید ناشی از تورم صاحبان پول از سوی دیگر نیاز به بررسی دقیق‌تر پدیده ربا در اقتصاد تورمی را که در عین حال مستلزم به اجرا درآمدن بانکداری اسلامی است، آشکار می‌سازد.

این مقاله، ابعاد مختلف مشکل فوق را در از دیدگاه نظریات محققان اسلامی و اقتصاددانان بررسی نموده و سعی در یافتن پاسخی مناسب برای حل آن می‌نماید.

#### مقدمه

در جهان معاصر نقش مؤسسات مالی و به ویژه بانک‌ها نقشی کلیدی و حیاتی در جریان امور

اقتصادی جوامع، اعم از اسلامی و غیراسلامی، است. در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران اسلامی کردن بانک‌ها و انتقال از سیستم مبتنی بر ربا از اولویت‌های نظام اسلامی قرار گرفت که با تأکیدهای مکرر بنیانگذار انقلاب اسلامی (ره) این مهم در ایران جامعه عمل پوشید.

با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۳ تاکنون عملیات بانکی در جمهوری اسلامی ایران به موجب قانون مبتنی بر قوانین و مقررات اسلامی است. به موجب بند ۴ ماده ۱ این قانون «حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی» یکی از اهداف قانون عملیات بانکداری ربا شمرده شده است.

امروزه تورم که از پدیده‌های اقتصاد معاصر است از جمله مسائلی است که مجموعه بانکی و نیز سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که در نظام سرمایه‌داری بعید است در شرایط عادی نرخ تورم بر انواع نرخ بهره بانک‌ها فزونی یابد.

بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران، همواره نرخ سود بانکی، اعم از نرخ تسهیلات و یا سود پرداختی به سپرده‌گذاران، به طور قابل ملاحظه‌ای زیر نرخ تورم قرار داشته است. این موضوع از طرفی موجب از دست رفتن قدرت خرید سپرده‌گذاران در سیستم بانکی است و از طرف دیگر سبب افزایش تقاضا برای تسهیلات بانکی بیش از توان بانک‌ها می‌شود. مسئله اخیر، علاوه بر مشکلاتی از قبیل تخصیص ناکارای منابع، عدم انگیزه برای بازپرداخت دیون توسط بعضی از وام‌گیرندگان و... یکی از علل اصلی سوءاستفاده در بانک‌ها است.

هدف از این تحقیق نشان دادن این امر است که حفظ قدرت خرید پول منافاتی با بانکداری اسلامی ندارد. البته نویسندگان این مقاله معتقدند مادامی که این موضوع رسماً از طرف مراجع ذیصلاح مورد قبول واقع نشده است افراد در اعمال فردی و اجتماعی خود ملزم به تبعیت از فتاوی مراجع تقلید و ولی فقیه خود می‌باشند. در حقیقت انگیزه این نوشته شفافتر و روشنتر نمودن موضوع برای کسانی است که صلاحیت شرعی و قانونی برای تصمیم‌گیری و نیز تدوین قوانین را دارند.

ابتداءً آیات و روایات مربوط به ربا در اسلام مختصراً ذکر شده و به دنبال آن پدیده بانکداری بدون ربا بعد از انقلاب اسلامی و نحوه شکل‌گیری آن بررسی می‌شود. در بخش بعدی، مروری بر تورم و آثار آن بر سیستم بانکی انجام می‌پذیرد. از آنجا که پیدایش پول و سیر تحولات آن، به عقیده نویسندگان، تعیین‌کننده می‌باشد بخش چهارم به آن اختصاص داده شده است. در بخش پنجم مقاله، دیدگاه برخی از محققین و علمای اسلام پیرامون ربا و نرخ تورم آورده شده است. در پایان خلاصه و نتیجه‌گیری تحقیق ذکر شده است.<sup>۱</sup>

۱- نویسندگان لازم می‌دانند از مؤسسه بانکداری ایران به ویژه آقایان دکتر عمرانی و دکتر هدایتی که مشوق این مقاله

## ربا در اسلام

در قرآن کریم در چهار سوره روم، آل عمران، نساء و بقره از ربا یاد شده و در تمامی آن‌ها مورد نکوهش قرار گرفته است که در سوره بقره شدت آن بیشتر از دیگر آیات می‌باشد. برخی از مفسران بر این عقیده‌اند که این آیات ترتیبی خاص دارند. ابتدا سوره روم در مکه، سپس سوره‌های نساء، آل عمران و بقره در مدینه نازل شده‌اند. لذا چون قبل از آیات سوره بقره این امر مورد نکوهش و تحریم قرار گرفته است و با توجه به آن برخی افراد باز هم به این عمل زشت ادامه داده‌اند شدت تحریم بیشتر شده است (۱).

در سوره بقره آیه ۲۷۵ این چنین آمده است: کسانی که ربا می‌خورند به پای نمی‌خیزند جز اینکه مانند کسی که شیطان به واسطه تماس او را آشفته حال می‌سازد، این به واسطه آن است که گفتند داد و ستد مانند ربا است در حالی که خداوند داد و ستد را حلال و ربا را حرام فرموده، پس هرکس پندی از جانب پروردگارش به سوی او آمد و باز ایستاد برای اوست آنچه گذشته و کار او با خداست (۲). و نیز در چهار آیه بعد از این بحث در مورد ربا به شدت مسلمانان را از ربا برحذر می‌دارد. از طرفی ربا در روایات نیز مورد نکوهش قرار گرفته و از آن به عنوان بدترین (۳) و خبیث‌ترین (۴) کسب‌ها یاد شده است و بیان شده است که رباخوار و ربا دهنده و مشاهدان آنها و نویسنده معامله ربا مورد لعنت خدا هستند (۵). و نیز هرگاه خدا بخواهد اهل شهر و دیاری را مورد غضب قرار دهد و به هلاکت برساند ربا را در بین آنان رواج دهد (۶). چون نتیجه ربا قحطی (۷) و فقر (۸) خواهد بود. لذا تاجر باید از احکام تجارت آگاهی کامل یابد تا از ربا در امان باشد (۹).

در منابع فقهی ربا به دو نوع: الف - ربای قرضی (نسیه) و ب - ربای معاملی (زیادت در داد و ستد) تقسیم شده است.

در ربای قرضی پول یا جنسی قرض داده می‌شود که منفعتی بیش از آنچه قرض داده شده دریافت گردد. منفعت لزومی ندارد که از جنس چیزی باشد که قرض داده شده، بلکه ممکن است عینی یا عملی از اعمال یا انتفاعی باشد و یا صفتی از صفات مثلاً صد کیلو گندم نامرغوب را قرض دهد و در موعد مقرر بخواهد صد کیلو گندم مرغوب دریافت کند.

در ربای معاملی مسأله مربوط به معامله دو جنس و کالایی است که مثل هم بوده و به صورت نقد معاوضه می‌گردند و پای قرض در بین نیست، یعنی کالای خاص را با همان کالا با وزن بیشتر یا به ضمیمه چیز دیگری و یا به همان وزن با زیادی حکمی (کالای نقد با کالای نسیه) معامله می‌کنند. حرام بودن این نوع ربا دو شرط دارد:

- ۱- جنس مورد معامله از نظر عرف واحد باشد هرچند از نظر صفات و خواص متفاوت باشد.
- ۲- جنس مورد معامله مکمل و یا موزون باشد لذا در اجناسی که با عدد یا مشاهده خرید و فروش می‌شوند ربا نیست (۱۰). (البته در این مورد نظریات دیگری هم وجود دارد).
- اکثر مفسرین و علما بر این عقیده‌اند که آیه مربوط به ربا مربوط به ربای قرضی است و در مورد حرمت ربای معاملی دلایلی چندی ذکر شده که برخی را در اینجا یادآور می‌شویم:
- سید قطب علت حرمت ربای معاملی را اینگونه بیان می‌کند: این نوع ربا را به دلیل آن حرام می‌دانند که سایه و شبح ربا از معاملات دور گردد (۱۱).
- شهید مطهری اینگونه معتقد است که: حرمت ربای معاملی به عنوان حریمی است برای ربای قرضی که اگر ربای معاملی حرام نبود و فقط ربای قرضی حرام بود بسیاری از حیل‌های ربا رواج می‌یافت (۱۲).

### بانکداری بدون ربا بعد از انقلاب اسلامی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسلامی نمودن اجزاء و بخشهای نظام و ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور جداً مطرح و اقداماتی جهت عملی شدن آن صورت گرفت. از جمله این مباحث و اقدامات، بحثهایی بود که در جهت اسلامی نمودن سیستم بانکی کشور مطرح شد. محققین علوم اسلامی جنبه‌های تحریم ربا و انواع آن را قبلاً مطرح و پیشنهادهای در زمینه اسلامی نمودن بانک‌ها ارائه نموده بودند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

آیتا... شهید صدر در مورد بهره بیان می‌دارد که: بهره بانکی مجاز نیست زیرا بهره در حقیقت نوعی مزد است که نظام سرمایه‌داری برای وام دهنده قائل است ولی در بینش اسلامی مزد وقتی قانونی است که در مقابل از دست دادن ذخیره کار مورد قرارداد برای انتفاع از آن باشد و سرمایه نقدی، کار ذخیره شده‌ای نیست که تقویت شود (۱۳).

آیتا... شهید مطهری نیز در این زمینه اینگونه بیان می‌کند که: پول نمی‌تواند پول بزیاید زیرا خاصیت واقعی پول جز واسطه مبادله بودن نیست، جز اینکه در گردش باشد نیست، پول فی حد ذاته منافعی ندارد، عقیم است و لذا ربا عملاً و واقعاً دزدی است (۱۴).

### پیشنهادات محققین اسلامی برای بانکداری اسلامی:

آیتا... شهید صدر در ارائه پیشنهادی برای بانک اسلامی، پس از بیان دو دیدگاه مختلف در این رابطه، چنین می‌گوید:

اما فعالیت خدمات بانکی به شرط مجاز است که در آنها نکات زیر رعایت شود:

۱- خدمات بانکی باید واقعاً جنبه خدمت داشته باشد و اگر پولی دریافت می‌شود دقیقاً در مقابل عملی که انجام می‌شود باشد. عنوان کارمزد نباید پوششی برای درآمدهای سرمایه‌داری و استثماری قرار گیرد.

۲- کاری که بانک انجام می‌دهد و در مقابلش مزد می‌گیرد از نظر اجتماعی زینانی به بار نیاورد و با مصالح جامعه هم‌آهنگ باشد.

۳- معاملات بانک در مورد این خدمات با فقه اسلامی مغایرت نداشته باشد و با مضامین آن دقیقاً منطبق گردد، (۱۵).

آیتا... مکارم شیرازی نیز در مقاله‌ای که در آن ایام منتشر شد نظرش را اینگونه بیان می‌کند:  
حل مشکل جذب سرمایه‌های مردم در صورتی که مساله سود از میان برود از چند راه امکان‌پذیر است:

۱- تشکیل بانکهای مضاربه‌ای، به این طریق که قسمتی از موجودی بانکها به گردش کار روزانه تخصیص داده شود و قسمت دیگری را زیر نظر کارشناسان وارد در رشته‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و... سرمایه‌گذاری کنند و سود حاصل در میان صاحبان سپرده تقسیم شود.

۲- بانکهای قرض‌الحسنه که اساس آن برای کارگشایی مشکلات اقتصادی مردم است، این بانکها ممکن است با سرمایه جمعی از افراد نیکوکار شروع به کار نماید، (۱۶).

همین طور یکی از اقتصاددانان، تقاضای پول را به سه دسته تقسیم کرده و برای هر یک راه حل جداگانه‌ای ارائه می‌نماید:

۱- مسالهٔ ربا به سه گروه از تقاضای پول می‌تواند مرتبط شود:

۱- تقاضای پول برای رفع نیازهای فیزیولوژیکی خانوارها،

۲- تقاضای پول برای فعالیت‌های تولید و عام‌المنفعه

۳- تقاضای پول برای داد و ستد و سفته‌بازی و مصارف متفرقه

برای هر سه گروه کوشش می‌کنیم نظام بانکی و گردش اقتصاد جامعه را در تحلیلی کلی با قانون شرع سازگار سازیم.

در مورد گروه اول هر خانواری که در این حد اضطراب باشد باید بتواند صندوقهای قرض‌الحسنه که مؤمنان کشور در اطراف و اکناف مملکت تاسیس کرده‌اند مراجعه و سفته‌های آنان توسط صندوقهای نامبرده پس از بازرسی حقانیت اوراق با درصدی نزدیک به تمام نزد بانک محل بی‌بهره نقد شوند و چنانچه لازم به تنزیل مجدد باشد آن اوراق توسط بانک‌های سپرده نزد بانک مرکزی تا حدی که تعادل پولی جامعه لطمه وارد نیابد بدون بهره، نقد مجدد گردند.

در مورد گروه دوم نیز بانک مرکزی باید آن دسته از فعالیتهای اقتصادی اعم از کشاورزی، صنعت را که بهتر و بیشتر اشتغال به وجود می‌آورند و نیازهای اولیه جامعه را زودتر برآورده می‌کنند تشویق کند و اوراقی را برای تنزیل مجدد بپذیرند که منافع مالی آنها در جهت رشد اقتصادی جامعه باشد و با نرخ بهره صفر که این امر موجب افزایش اشتغال و افزایش تولید ملی خواهد شد.

و اما در مورد گروه سوم، این گروه باید همه هزینه‌های استهلاک و کارمزد بانک را بپردازند، در واقع اینها باید جور دو گروه تقاضای قبلی را که بهره و کارمزد نمی‌پردازند بکشند. یکی به این دلیل که اینها نسبت به گروه تولیدکنندگان از لحاظ فائده تولیدی اولویت ندارند. دیگر اینکه طبیعت استقرار کار آنها برای خرید، در رقابت با خریداران دیگر است و یا برای مصرف، وانگهی تحمیل کل هزینه به این گروه، مانعی در انجام فعالیتهای سفته‌بازی و تنزیل بروات تجاری و صوری خواهد بود. (۱۷)

پیشنهادات و طرحهای دیگری نیز درباره اسلامی کردن سیستم بانکی ارایه گردید که به همین چند مورد اکتفا می‌نماییم.

### قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره):

بالاخره پس از بحث و بررسیهای زیاد کلیات لایحه قانونی عملیات بانکی بدون بهره در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (۱۸) و پس از بحث و بررسیهای زیاد مشتمل بر بیست و هفت ماده و چهار تبصره در روز سه‌شنبه هشتم شهریور ماه یک هزار و سیصد و شصت و دو در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ دهم شهریور یک هزار و سیصد و شصت و دو به تایید شورای نگهبان رسید (۱۹).

اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران از سال ۱۳۶۳ به بعد نمونه عملی بانکداری اسلامی (بدون ربا) است که تاکنون حدود ۱۲ سال از اجرای آن می‌گذرد. گرچه در عمل با مشکلاتی، که عمدتاً ناشی از جدید بودن سیستم است، همراه بوده اما گام بسیار بلندی در اجرای عملیات بانکی بدون رباست.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا تجهیز منابع پولی از طریق:

الف - سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز) و ب - سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (مشارکت، جعاله، مضاربه، اجاره، به شرط تملیک، فروش اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم و سلف) صورت می‌گیرد (۲۰).

بانکها می‌توانند به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روشهای تشویقی از امتیازات ذیل

به سپرده‌گذاران اعطا نمایند:

الف - اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض الحسنه  
 ب - تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد و حق الوکاله  
 پ - دادن حق تقدم به سرمایه‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکها (۲)  
 در سپرده‌های قرض الحسنه سپرده‌گذاران بیشتر به جنبه‌های معنوی و خدماتی که از بانک دریافت می‌کنند توجه دارند و به این جهت سودی دریافت نمی‌کنند و اصل سپرده‌هایشان در هر لحظه قابل وصول است.

اما سپرده‌های سرمایه‌گذاری که اصل آنها، برای اطمینان سپرده‌گذاران، تضمین شده است در امور تولیدی و خدماتی بر اساس عقود اسلامی و معاملات شخصی به کار گرفته می‌شود و در پایان سال سود ناشی از به‌کارگیری سپرده‌ها را دریافت می‌دارند. اینگونه سپرده‌ها با توجه به اینکه در یکی از عرصه‌های تولیدی به کار گرفته می‌شود و به بخش واقعی سوق داده می‌شود باعث می‌گردد که تولیدات اقتصادی جامعه افزایش یابد و از این طریق کل جامعه بهره‌مند گردند.

انتیژه اصلی سپرده‌گذاران در اینجا سود بردن از سپرده‌هاست. چون افرادی ممکن است قادر به انجام کارهای تولیدی و خدماتی نباشند و یا سپرده‌هایشان به قدر کافی نباشد، از این جهت با سپرده‌گذاری در بانک و وکالت دادن به بانک خود را در سود فعالیت‌های اقتصادی سهم می‌کنند و در پایان دوره پس از اینکه منافع فعالیت مذکور مشخص گردید سهم توافق شده به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود.

به موجب قانون، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می‌تواند با استفاده از ابزار ذیل در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند:

۱- تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانکها در عملیات مشارکت و مضاربه، این نسبتها ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

۲- تعیین رشته‌های مختلف سرمایه‌گذاری و مشارکت در حدود سیاست‌های اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت، حداقل نرخ سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته‌های مختلف متفاوت باشد.

۳- تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره بر شرط تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله، این نسبتها ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد.

۴- تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد بانکی (مشروط بر اینکه بیش از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق الوکاله به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری که توسط بانکها دریافت می‌شود.

۵- تعیین نوع، میزان، حداقل امتیازات موضوع ماده ۶ و تعیین شرایط تبلیغات برای بانکها در این موارد (نوع امتیازات قبلاً ذکر شد)

۶- تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت، مضاربه، سرمایه گذاری، اجاره، به شرط تملیک، معاملات اقساطی، نسیه، سلف، مزارعه، مساقات، جعاله و قرض الحسنه برای بانکها و یا هر یک از آنها در هر یک از موارد و رشته‌های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به هر مشتری (۲۲).

## ۲- تورم و آثار آن بر سیستم بانکی

تورم را می‌توان از افزایش عمومی و خودافزای قیمت‌ها تعریف نمود که غالباً حالتی مداوم و برگشت‌ناپذیر دارد (۲۳).

بعضی از اقتصاددانان تورم را به دو نوع تورم «ناشی از افزایش هزینه» (Cost Push) و یا تورم ناشی از «افزایش تقاضا» (Demand Pull) تقسیم کرده‌اند. افزایش هزینه عوامل تولید موجب تورم نوع اول می‌شود. افزایش جمعیت، و یا درآمد اسمی نیز از جمله عواملی هستند که سبب تورم نوع دوم می‌باشند که بر اثر هر یک از دو نوع تورم ذکر شده سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

بحث درباره تورم و رابطه آن با پول و نیز تفصیل اثرات تورم بر بازارهای پول، کالا و سرمایه از حوصله این مقاله خارج است. ولی آنچه مسلم است کاهش قدرت خرید دارندگان پول بر اثر تورم می‌باشد. معمولاً در شرایط تورمی حقوق بگیران و کسانی که دستمزد آنها ثابت است و یا مطابق نرخ تورم افزایش نمی‌یابد آسیب می‌بینند. در صورت تداوم تورم، تمایل به سوی تبدیل پول به کالاهائی که ارزش همراه تورم افزایش می‌یابد آشکار می‌شود. حرکت نقدینگی‌ها به سوی بازار ارز، طلا، زمین و ساختمان در سالهای اخیر مصداق مطالب فوق است.

در مورد اثرات تورم بر سیستم بانکی می‌توان گفت چنانچه سپرده‌گذاران نرخ تورم را بالاتر از درآمدی که از نگه داشتن پول خود در بانکها به دست می‌آورند بیابند طبیعی است که پولهای خود را از بانکها خارج کرده و صرف کارهائی کنند که انتظار درآمد بیشتری از آن دارند. هرچه امکان فعالیت‌های سودآور غیربانکی فراهم‌تر باشد خروج پول از بانکها محتمل‌تر است.

لازم به ذکر است که نرخ بهره را می‌توان به دو نوع: نرخ بهره اسمی و نرخ بهره واقعی تقسیم نمود. نرخ بهره اسمی نرخ است که عملاً افراد و بنگاه‌های اقتصادی با آن مواجه هستند. ولی نرخ بهره واقعی عبارت از تفاضل نرخ بهره اسمی و نرخ تورم می‌باشد.

بررسی میزان تورم در مقایسه با نرخ تسهیلات اعطائی و یا سود پرداخت شده به سپرده‌گذاران در دوره اجرای بانکداری بدون ربا در ایران نمایانگر این حقیقت است که نرخ بهره واقعی همواره منفی بوده است.



## پول و سیر تحولات آن

علیرغم آنکه در زندگی امروزی همه افراد به نوعی با پول سر و کار دارند در تعریف پول اتفاق نظر بین دانشمندان علوم اقتصادی وجود ندارد.

در تعریف پول می‌توان گفت پول آن چیزی است که به آسانی و به طور عام، مورد قبول عامه مردم جهت پرداخت در برابر فروش کالا، خدمات و سایر دارائی‌های باارزش دیگر واقع شود، به علاوه در بازپرداخت بدهی‌ها از آن استفاده گردد.

مطابق این تعریف وظایف پول عبارت است از:

۱- وسیله مبادله ۲- ذخیره ارزش

۳- واحد سنجش ارزش ۴- معیار در پرداخت‌های آتی

در کتاب «پول در اقتصاد اسلامی» تنها سه مشخصه اول پذیرفته شده و در مورد مشخصه چهارم یعنی معیار در پرداخت‌های آتی این گونه عنوان شده است که:

«معیار پرداخت‌های آتی بودن پول، در واقع همان وسیله مبادله بودن پول است البته با در نظر گرفتن اختلاف زمان دریافت کالا و پرداخت پول. از طرف دیگر وسیله پرداخت‌های آتی بودن فرع بر این است که پول، ذخیره ارزش و معیار سنجش ارزش باشد از این رو وسیله پرداخت‌های آتی بودن به عنوان یک وظیفه مستقل برای پول قابل طرح نیست، به علاوه این ویژگی مختص پول نیست بلکه حواله و سایر اوراق بهادار این نقش را به خوبی ایفا می‌نمایند» (۲۴).

### تاریخچه پول:

با افزایش نیازهای بشر در زمانهای دور و تخصصی شدن تولید و ضرورت مبادله کالاها، نیاز به داشتن وسیله‌ای که بتواند واسطه مبادله کالاها با یکدیگر شود بیش از پیش آشکار می‌شد.

در آغاز پول به صورت کالا بوده است، بدین معنا که یک کالای اقتصادی، مانند کیسه‌های کوچک نمک، برنج و... به عنوان پول به کار برده می‌شد. بعد از گذشت مدتی، از فلزات به عنوان پول استفاده شد، زیرا اولاً: فلز از دوام بیشتری نسبت به انواع دیگر کالا برخوردار بود، ثانیاً: قابلیت تقسیم‌پذیری بیشتری داشت، و ثالثاً: حمل و نقل آن آسان‌تر و هزینه آن کمتر بود.

پس از فلزات، سکه‌های فلزی با وزن خاص و مهر و نشان دولت، به عنوان پول مطرح شد، زیرا وسایل توزین دقیق در اختیار همگان نبود، و امکان تقلب و کم گذاشتن در فلز وجود داشت. بنابراین فلزات به واحدهای کوچکی با وزن مساوی تقسیم شدند و یک قدرت مورد اعتماد مردم، مانند دولت روی آن مهر می‌زد، تا با توجه به این وزن و اعتبار خاص، سکه فلزی قابل شناخت باشد و به این

ترتیب، ضرب سکه به عنوان پول رایج شد.

بعد از رواج این گونه سکه‌ها، در واقع سکه به عنوان «وسیله مبادله» تقاضا، و به عنوان پول، نه به عنوان کالا یا فلز از آن استفاده می‌شد، و مردم به ساییدگی اندک سکه و یا مقدار دقیق مس و یا فلز مصرف شده در ساخت سکه توجه نمی‌کردند.

بعد از سکه‌های فلزی (مسی، آهنی و...) سکه‌های طلا و نقره به عنوان پول رایج شد و این خود مرحله دیگری در روند تحول و تکامل پول بود. علت این امر مرغوبیت ذاتی و نیز کمیابی طلا و نقره نسبت به سایر فلزات، و توانایی طلا و نقره در ذخیره کردن ارزش زیاد در حجم اندک بود. همچنین دو فلز مذکور، بدون آنکه از ارزش آنها کم شود به راحتی قسمت پذیرند. برخلاف امثال الماس و برلیان، که در صورت تقسیم شدن به قطعات کوچک، بخشی از ارزش خود را از دست خواهند داد، این دو فلز، زنگ نمی‌زنند و نرم و قابل انعطافند. به همین دلیل هزینه ضرب و نگهداری آنها کم است، و به علت ویژگی‌هایشان در همه جوامع مقبولیت دارند. در ضمن، طلا و نقره از ارزش نسبتاً ثابتی برخوردارند، چون میزان استخراج آنها مازاد بر آنچه در دسترس قرار دارد، کم است، لذا نوسانات عرضه آنها کم، و در نتیجه، قیمت نسبی آنها ثابت بود. البته نکات مثبت فوق، بدین معنا نبود که سکه‌های تمام عیار (در قالب طلا و نقره) برای کسانی که آنها را نگه می‌دارند یا برای پرداخت به کار می‌برند، هیچ گونه مشکلی به وجود نمی‌آورد. بلکه این نوع سکه‌ها در عین این که از امتیازات ذکر شده برخوردار بودند، نارسائی‌هایی نیز از قبیل خطر سرقت، کاهش وزن بر اثر خراشیدن، بریدن، تراش خوردن غش در عیار مسکوکات و... به همراه داشتند.

به همین دلایل، پس از رواج فراوان طلا و نقره به عنوان پول در بین جوامع مختلف، وسیله دیگری به نام رسید پول تمام عیار و اسکناس‌هایی با صد درصد تعهد بازپرداخت، برحسب طلا و نقره که حاکی از ارزش طلا و نقره به عنوان پول است رواج یافت.

اختراع اسکناس را به بانکدار سوئدی به نام پالمستروخ و در اوایل قرن هفدهم نسبت می‌دهند. واژه اسکناس از لغت فرانسوی assignass گرفته شده است. این واژه در زمان انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۸-م) به کار می‌رفت، و به اوراقی گفته می‌شد که از طرف دولت انقلابی منتشر می‌شد و تضمین و پشتوانه آن، زمین‌های ضبط شده کلیسا و اشراف بود.

در ابتدای رواج این نوع رسیده‌ها و اسکناس‌ها، مردم نسبت به تضمین بازپرداخت آنها برحسب طلا و نقره آگاهی داشتند و می‌دانستند که در هنگام معامله با این نوع رسیده‌ها و اسکناس‌ها، در واقع طلا و نقره در ذمه این سندها را معامله می‌کنند. بنابراین در این مرحله، آن طلا و نقره در ذمه، پول تمام عیار بدهی بوده، و سندها و اسکناس‌ها صرفاً رسید تلقی می‌شد.

به تدریج دولتها انحصار انتشار این رسیده‌ها و اسکناس‌ها را در دست گرفتند. بعدها بر اثر افزایش هزینه دولتها نظیر زمان جنگ و غیره، آنان به انتشار اسکناس بدون توجه به وجود معادل آن در جامعه مبادرت ورزیدند و در نتیجه رابطه بین این رسیده‌ها و ارزشی که حامل آن بودند دچار نوسان شد.

از طرفی با گسترش رواج این نوع رسیده‌ها و اسکناس‌ها، مردم نسبت به قابلیت تبدیل آن‌ها به طلا و نقره غفلت ورزیدند، و هرچند این قابلیت تبدیل هنوز حفظ شده بود، ولی مردم به این رسیده‌ها - صرف نظر از طلا و نقره پشتوانه آن - مستقلاً به عنوان وسیله مبادله نگاه می‌کردند. در این مرحله خود این رسیده‌ها تبدیل به پول شده و پول اعتباری نقد ایجاد گردید.

سکه‌ها نیز در این مرحله، به تدریج ارزش پولی بالاتری نسبت به ارزش کالایی خود پیدا کردند و سکه‌های اعتباری یا دلالتی را پدید آوردند. در مرحله نهایی با قطع کامل رابطه حقوقی بین این نوع پول (اعم از اسکناس یا سکه) با طلا و نقره پشتوانه آنها، این نوع پول، پول اعتباری محض نامیده شد. این اعتبار باعث ایجاد قدرت خرید در پول می‌شود و به همراه مقبولیت عامه، ارزش مبادله‌ای را برای آن به ارمغان می‌آورد. به عبارت دیگر مردم به دنبال وسیله‌ای هستند که بتواند ارزش مبادله‌ای خالص داشته باشد، تا مبادلات آن‌ها را تسهیل بخشد. این امر همچنان که در پول‌های حقیقی وجود داشت، بعد از طی تحولاتی در پول‌های اعتباری نیز ایجاد شد و بعد از پول اعتباری نقد، در مرحله تکاملی بعدی، پول اعتباری به جریان افتاد (۲۵).

### تاریخچه پول در تمدن اسلامی:

عرب‌ها از دینارهای طلای بیزانسی و درهم‌های نقره ساسانی و بعضی پول‌های یمن حمیری در معاملات خود استفاده می‌کردند. آنها به موضوع مضروب و مسکوک بودن دینارها و درهم‌ها اصلاً اهمیتی نمی‌دادند و فقط حساب می‌کردند که آن دینار یا درهم دارای وزنی معین از طلا و نقره باشد. این موضوع به ویژه در مورد درهم‌ها به خاطر اختلاف در انواع و اوزان آنها صادق بود.

اعراب دینارهای طلا را عین و درهم‌های نقره را ورق نامیدند و این وضع تا ظهور اسلام ادامه داشت. پس از ظهور اسلام نیز پیامبر اسلام (ص) آن را تایید و بر حالت خود ابقا کرد.

درهم اسلامی اول بار در سال هشتم خلافت عمر در سال بیستم هجری قمری روی طراز ساسانیان ضرب گردید و مسلمانان، بالای طوقی که گرد صورت پادشاه ساسانی کشیده شده بود بعضی کلمات را می‌نگاشتند. این کار تا زمان بنی‌امیه (سال ۸۳ هجری قمری) و نیز در بعضی شهرهای ایران تا مدتی ادامه داشت تا آنکه عبدالملک بن مروان در اواخر دهه هفتم هجری قمری

طراز اسلامی را جایگزین آن کرد (۲۵).

همان گونه که از تاریخچه پول برمی آید سکه های طلا و نقره به عنوان حامل ارزش و در واقع رسیدی برای ارزش کالاها مورد مبادله بود. سکه های ضرب شده با سایر فلزات نیز همین نقش را داشتند. از طرفی اسکناس پدیده ای جدید است، که از قرن هفدهم میلادی پیدا شده و در صدر اسلام وجود نداشته و نیز تورم که در واقع عامل اصلی آن رشد حجم پول بیش از نرخ رشد تولید واقعی در اقتصاد می باشد. لذا به نظر می رسد احکام ربا باید با در نظر گرفتن تحول و تطور پول و نقش آن در تاریخ بعد از اسلام مورد بررسی قرار گیرد. همان گونه که دین مقدس اسلام دریافت مازاد را در قرض نمی پذیرد، بعید است اضرار به قرض دهنده را، که در دوران معاصر با پیدایش پول اعتباری و بر اثر کاهش ارزش پول ناشی از تورم به وجود می آید، بپذیرد. در بخش بعد نظرات بعضی محققین و دانشمندان اسلام را که موافق این نظر هستند آورده می شود.

### دیدگاه محققان اسلامی در رابطه با تورم و نرخ بهره:

برخی از علمای اسلامی معتقدند که در شرایط تورمی باید در دریافت، پرداخت، قرض ارزش حقیقی پول حفظ شود و این مابه التفاوت را ربا نمی دانند (مابه التفاوت مبلغ به لحاظ کم یا زیاد شدن آن در صورت تورمی و ضد تورمی). از جمله این علماء شهید صدر است. شهید صدر مزایای پس انداز پول در بانک اسلامی را اینگونه بیان می دارد:

«بانک اسلامی ارزش حقیقی پول را حفظ می کند، توضیح اینکه پول بر اثر بالا رفتن سطح زندگی پیوسته در حال تنزل است و تورم پول عامل تنزل دائمی قدرت خرید نقدینگی می گردد و در نتیجه قیمت واقعی پول تنزل می یابد. از اینجا امتیاز مهمی که برای نگهداری اوراق بهادار در بانک به صورت وام سپرده می شود ظاهر می گردد زیرا بانک ارزش حقیقی آنها را تضمین می کند. اوراق نقدی اسکناس هرچند از اشیاء مثلی است ولی مثل آن، فقط برگ اسکناس نمی باشد بلکه اسکناس نشان دهنده قیمت حقیقی و واقعی آن است، بنابراین هرگاه بانک هنگام پرداخت مثل، قرار بر این باشد که قیمت هنگام دریافت را بپردازد ربا نخواهد بود و قیمت بر اساس طلا می باشد پس قیمت پول قیمت صرف آن به طلا خواهد بود» (۲۶).

شهید مطهری نیز در کتاب مسأله ربا وقتی در بحث بیمه از ایشان اینگونه سؤال می شود که: تا مدتی پیش پول پرداختی کاملاً با پول دریافتی برابر بود ولی اخیراً به لحاظ رشد منفی که پول دارد، بیمه یا مؤسسات بیمه مقداری به پول دریافتی اضافه می کنند و می پردازند، (آیا اشکال دارد یا خیر؟)، ایشان پاسخ می دهد: (اگر منظورتان از رشد منفی این است که مثلاً پول ارزان می شود؟ آن مطلب

دیگری است، آری آن اشکالی ندارد (۲۷).

همچنین شهید بهشتی از این امر به عنوان جبران تضعیف ارزش پول نام می‌برد و معتقد است:

«جبران تضعیف ارزش پول در حالت تورمی ربا محسوب نمی‌شود» (۲۸).

آیتا... آذری قمی نیز قائل به ربوی بودن این مابه‌التفاوت نمی‌باشد (۲۹).

و نیز به نظر آیتا... موسوی بجنوردی: «افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی تا سطح نرخ تورم ربا

محسوب نمی‌شود» (۳۰).

به طور کلی در فقه، مالی را که دیگری نسبت به آن ممکن است ضامن شود دو نوع است (۳۱).

۱- مثلی: مالی است که دارای نمونه‌های مشابه است. مثل یک نوع خاص لیوان یا تلویزیون که محصول یک کارخانه است و همه دارای یک نوع مواد ساخت و ابزار لوازم و رنگ و دارای یک میزان مطلوبیت است. این نوع مال اگر از بین برود ضامن می‌بایست مشابه آن را بپردازد مگر اینکه مالک حاضر باشد قیمت آن را بگیرد.

۲- قیمی: مال قیمتی مالی است که واحدهای آن با هم فرق می‌کنند و به همین دلیل دارای قیمت‌های متفاوت است، لذا اگر از بین برود ضامن می‌بایست قیمت آن را بپردازد.

بر اساس نظر اکثریت علمای اسلامی مالیت پول اعتباری مثلی است و در فقه احکام مال مثلی بر آن مترتب می‌شود منتهی آنچه محل اختلاف می‌باشد این است که چه چیزی مشخص کننده و مقوم مثلثیت است؟ ارزش اسمی یا قدرت خرید پول؟

نظریاتی که بیان شد نظر کسانی بود که قائل هستند مقوم مثلثیت پول همان قدرت خرید پول است و لذا بر این اساس درخواست جبران کاهش ارزش پول از قرض گیرنده نه تنها بهره و ربا نیست بلکه درخواست حقی است که لازم است اجابت شود. چون در واقع هر قرضی که سودی به دنبال داشته باشد حرام است. (کل قرض یجبر المنفعه فهو حرام) در حالیکه در اینجا منفعتی به دنبال نیست بلکه ارزش واقعی مبلغ قرض داده شده پرداخت می‌شود.

البته نکته‌ای که لازم به ذکر است این است که این الزام دو جانبه است یعنی همان گونه که جبران کاهش ارزش پول به دلیل افزایش نرخ تورم موجه است، جبران افزایش ارزش پول به دلیل کاهش نرخ تورم نیز مسأله‌ای در خور توجه می‌باشد.

دلیل هر دو حالت نیز آن است که فرد بدهکار در واقع مقدار معینی قدرت خرید قرض کرده است و در هنگام پرداخت نیز باید معادل همان قدرت خرید را باز پس دهد.

## خلاصه و نتیجه

تردیدی نیست که ربا در اسلام حرام شمرده شده و به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. بنابه نظر محققین منظور قرآن از تحریم ربا در آیات قرآن ربای قرضی است و ربای معاملی نیز به جهت اینکه باب حيله‌های ربوی را باز می‌کند تحریم شده است. از آنجا که از ابتداء هدف انقلاب اسلامی اجرای احکام اسلامی در تمام ابعاد جامعه بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیشنهادات مختلفی در رابطه با بانکداری اسلامی ارائه گردید که پس از بحث و بررسی آنها قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب رسید. بر طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک به وکالت از طرف سپرده‌گذاران در قالب عقود اسلامی سپرده‌ها را به کار می‌اندازد و سود آنرا در پایان دوره پرداخت می‌نماید. با توجه به اینکه حفظ ارزش پول یکی از اهداف بانکداری اسلامی است سؤالی که مطرح است اینست که در صورتی که در شرایط تورمی نرخ بهره اسمی به اندازه تورم افزایش یابد در حالی که نرخ بهره واقعی صفر است آیا این افزایش ربا خواهد بود؟

به نظر نویسندگان این مقاله، توجه به تاریخ پیدایش پول و تطور وظائف آن، به ویژه مقارن با پیدایش شریعت اسلام و پس از آن، نقش اساسی در پاسخ به این سؤال دارد. بررسی تاریخ پول نشان می‌دهد که پول ابتدا به صورت کالا در جوامع بشری پیدا شده و سپس فلزات جایگزین آنها شدند. در این بین فلزات قیمتی (طلا و نقره) دیگر فلزات را کنار زده و خود به عنوان وسیله مبادله ارزش عمل می‌کردند. بعدها به دلیل مشکلاتی که این دو فلز داشتند اسکناس و پول اعتباری از قرن هفدهم پیدا شدند که در واقع رسیدهایی برای ارزش واقعی بودند و با درخواست صاحبان اسکناس قابلیت تبدیل به طلا و نقره را داشتند. پدیده تورم از آنجا پیدا شد که دولتها در مواقع جنگ و غیره برای مخارج خود بیش از معادل ارزش اسکناسها، اسکناس و پول اعتباری انتشار دادند. در حقیقت تورم و اسکناس به شکل امروزی آن هر دو پدیده‌های جدیدی هستند که در صدر اسلام وجود نداشته‌اند. همان گونه که عده‌ای از محققان اسلامی معتقدند احکام ربا در جایی صادق است که منفعتی مازاد بر قرض مترتب باشد و در شرایط تورمی جریان کاهش ارزش پول به نظر نمی‌رسد مصداق ربا باشد.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تفسیر نمونه، جلد ۲، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- ۲- تفسیرالمیزان، جلد ۲، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، ترجمه استاد محمدتقی مصباح یزدی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۳- النبی (ص) شرالمکاسب کسب الربا (الحیة جلد ۶ صفحه ۴۰۲، نهج الفصاحه صفحه ۳۸۴، وسایل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۴۲۶).
- ۴- الامام الباقر(ع) اخبث المکاسب کسب الربا (الحیة جلد ۵ صفحه ۴۰۲، وسایل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۴۲۳).
- ۵- لعن‌الله الربا و آکله و کاتبه و مشاهده و هم یعلمون (نهج الفصاحه صفحه ۴۷۳).
- ۶- الامام الصادق (ع) اذا اراد الله بقوم هلاکا ظهر فیهم الربا (الحیة جلد ۵ صفحه ۴۰۹، وسایل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۴۲۷).
- ۷- ما من قوم یظہر فیهم الربا الا اخذوا بالسنة... (نهج الفصاحه صفحه ۵۵۷).
- ۸- ما احدا کثر من الربا الا کان عاقبه امره الی قله (نهج الفصاحه صفحه ۵۳۹).
- ۹- الامام علی(ع): من اتجر بغير فقه فقد ارنظم فی الربا (از ترجمه گویا و شرح فشره‌ای بر نهج البلاغه، محمد جعفر امامی و محمدرضا آشتیانی زیر نظر ناصر مکارم شیرازی جلد ۳ صفحه ۸۱ و ۳۸۰).
- ۱۰- تحریر الوسیله، امام خمینی، جلد ۳ صفحه ۶۶ - ۶۵.
- ۱۱- مقابله اسلام با سرمایه‌داری و تفسیر آیات ربا، ترجمه و اقتباس سیدمحمد رادمنش، چاپ چهارم، بنیاد علوم اسلامی آبان ۱۳۶۰.
- ۱۲- نظری به نظام اقتصادی اسلام، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، اردیبهشت ۱۳۷۲، صفحه ۷۷.
- ۱۳- بنیادهای عمومی بانک در جامعه اسلامی، سیدمحمدباقر صدر، ترجمه دکتر سیدجمال‌الدین موسوی، انتشارات روزبه، صفحه ۲۲.
- ۱۴- مسأله ربا، مرتضی مطهری، چاپ چهارم، انتشارات صدرا ۱۳۷۱ صفحه ۱۷.
- ۱۵- بنیادهای عمومی بانک... صفحه ۲۰.
- ۱۶- نظام بانکداری استعماری و طرح بانک اسلامی، ناصر مکارم شیرازی، کیهان شماره ۱۰۶۷۹، ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ صفحه ۶.
- ۱۷- سیاستهای پولی، باقر قدیری اصلی، چاپ اول، انتشارات فروردین ۱۳۶۴.
- ۱۸- جمهوری اسلامی شماره ۱۰۷۲، ۱۹ بهمن ۱۳۶۱، صفحه ۱۴.
- ۱۹- قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت نظارت امور بانکها، اردیبهشت ۱۳۷۱، صفحه ۱۳.
- ۲۰- ماخذ پیشین، صفحه ۷.
- ۲۱- ماخذ پیشین، صفحه ۸.
- ۲۲- ماخذ پیشین، صفحه ۱۲ و ۱۱.

- ۲۳- پول و بانکداری نوین، راجرلروی میلر - رابرت دلبیو پلسانیلی، ترجمه احمد ناهیدی، نشر دانش امروز، تهران ۱۳۷۴.
- ۲۴- پول در اقتصاد اسلامی - دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها، چاپ اول ۱۳۷۴.
- ۲۵- ماخذ پیشین به نقل از درهم اسلامی، سید محمود نقشبند.
- ۲۶- بنیادهای عمومی بانک... صفحه ۲۷.
- ۲۷- ربا... صفحه ۳۱۸.
- ۲۸- سیاستهای پولی تحلیلی، تطبیقی، احمد شعبانی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۹- ماخذ پیشین.
- ۳۰- روزنامه همشهری مصاحبه آیت... موسوی بجنوردی، شماره ۱۰۴۱ مورخ ۱۳۷۵/۵/۲۳.
- ۳۱- پول در اقتصاد اسلامی.